

## پژوهشی درباره فرجام

### و محل دفن سر مطهر امام حسین<sup>ع</sup> و سرهای دیگر شهدا

محسن رنجبر\*

#### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی فرجام سر مطهر امام حسین<sup>ع</sup> و سرهای دیگر شهدا و محل دفن آنها، در دو بخش پرداخته است: بخش نخست، به فرجام سر امام<sup>ع</sup> و دیدگاه‌های مربوط به محل دفن آن می‌پردازد و پس از بررسی و بازکاوی اقوال متعدد در این باره، قول الحاق سر به بدن مطهر، را بر اقوال دیگر ترجیح می‌دهد. در بخش دوم به نقد و بررسی گزارش‌های مربوط به فرجام سرهای دیگر شهدا پرداخته شده است. بررسی‌ها، این باور را تقویت می‌کند که فرجام و محل دفن سرهای دیگر شهدا نامعلوم است.

کلید واژه‌ها: عاشورا، سر امام حسین<sup>ع</sup>، سر یاران امام حسین<sup>ع</sup>، کربلا و نجف.

## مقدمه

یکی از پرسش‌هایی که درباره وقایع پس از عاشورا مطرح و شایسته مطالعه و بررسی است، فرجام سر مطهر امام حسین علیه السلام و دیگر سرهای شهدا است. بر اساس گزارش‌های تاریخی، مسلم است که سر امام حسین علیه السلام و دیگر سرها توسط مأموران ابن زیاد به شام فرستاده شد. همچنین بر اساس برخی گزارش‌ها، سرهای دیگر شهدا نیز همراه سر امام حسین علیه السلام به دربار یزید برده شد.<sup>1</sup> اکنون این پرسش مطرح است که پس از آنکه یزید - در ظاهر - از عملکرد خویش با امام حسین علیه السلام و یارانش اظهار پشیمانی کرد و درصدد بازگرداندن اسرا به مدینه برآمد، سرنوشت سر امام علیه السلام و سرهای دیگر چه شد؟ آیا چنان که بین شیعه مشهور است، سر امام علیه السلام به بدن ملحق شد یا چنان که در برخی منابع دیگر حدیثی شیعه آمده است، در نجف، کنار قبر امیرالمؤمنین علیه السلام دفن شد یا بر اساس برخی منابع اهل سنت به مدینه فرستاده شد و در بقیع دفن شد و یا در دمشق یا قاهره یا عسقلان یا رقه و یا حتی در مرو دفن شد؟ فرجام سرهای دیگر شهدا به کجا انجامید؟ آیا آنها نیز به بدن‌هایشان ملحق شدند یا سرنوشت آنها نامعلوم است؟ بنابراین در این نوشتار دو موضوع، مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد: نخست، فرجام سر امام علیه السلام و دوم، فرجام سرهای شهدا.

نخست: فرجام سر امام حسین علیه السلام

در اینکه سر مطهر امام حسین علیه السلام کجا دفن شده است، منابع تاریخی و حدیثی شیعه و سنی، گزارش‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند تا آنجا که ده قول در این باره گفته شده است. برخی از مورخان همانند سبط ابن جوزی و نویری و بعضی از محققان و نویسندگان معاصر، از جمله سید محسن امین عاملی<sup>2</sup>، فضل علی قزوینی<sup>3</sup> و شهید قاضی طباطبایی<sup>4</sup>، به جمع‌آوری برخی از اقوال و نقد و بررسی آنها پرداخته‌اند که در این پژوهش از کوشش‌های آنان بهره گرفته شده است. اما اقوال در این باره، عبارت‌اند از:

## 1. کربلا

بسیاری از مورخان و اندیشمندان شیعی و سنی بر این باورند که سر امام حسین علیه السلام به بدن ملحق شده است، از این رو این قول، شهرت خاصی دارد. از اندیشمندان شیعه که قائل به چنین قولی شده‌اند، عبارت‌اند از:

شیخ صدوق (م 381ق) و به پیروی از او، ابن فتنال نیشابوری (م 508ق) در این باره

می‌نویسند: علی بن حسین<sup>علیه السلام</sup> همراه زنان (از شام) خارج شد و سر حسین<sup>علیه السلام</sup> را به کربلا بازگرداند.<sup>5</sup>

سید مرتضی (م436ق) در این باره می‌گوید: روایت شده که سر امام حسین<sup>علیه السلام</sup> با جسد وی در کربلا دفن شد.<sup>6</sup>

طبرسی (م548ق) پس از اشاره به قول سید مرتضی،<sup>7</sup> در جای دیگر می‌نویسد: برخی از اصحاب ما گفته‌اند که سر از شام بازگردانده و به بدن ملحق شد.<sup>8</sup>

ابن شهر آشوب (م588ق) بعد از نقل سخن سید مرتضی،<sup>9</sup> از قول شیخ طوسی نقل کرده است که به همین سبب (الحاق سر امام<sup>علیه السلام</sup> به بدن) توصیه به زیارت اربعین شده است.<sup>9</sup>

ابن نمای حلی (م644ق) نیز نگاشته است: آنچه از اقوال بر آن می‌توان اعتماد کرد، آن است که بعد از گرداندن سر امام<sup>علیه السلام</sup> در شهرها به بدن بازگردانده و با جسد دفن شد.<sup>10</sup>

سید ابن طاووس (م664ق) و بعدها به پیروی از او، سید محمدبن ابی‌طالب (از مورخان قرن دهم) نوشته‌اند: اما سر حسین<sup>علیه السلام</sup>، روایت شده که برگردانده شد و در کربلا با جسد شریفش دفن شد و عمل اصحاب هم طبق همین دیدگاه مورد اشاره بوده است.<sup>11</sup>

مجلسی (م1110 یا 1111ق) یکی از وجوه استحباب زیارت امام حسین<sup>علیه السلام</sup> را در روز اربعین، الحاق سرهای مقدس شهدا به اجسادشان توسط امام سجاد،<sup>12</sup> بیان کرده است.<sup>12</sup> وی در جای دیگر بعد از نقل اقوال دیگر در این باره، می‌نویسد: مشهور بین علمای امامیه آن است که سر امام<sup>علیه السلام</sup>، همراه بدن، دفن شده است.<sup>13</sup>

اما برخی از مورخان و اندیشمندان اهل سنت، که به این دیدگاه قائل شده‌اند، عبارت‌اند از:

ابوریحان بیرونی (م440ق) در این باره می‌نویسد: «و فی العشرین رَدَّ رأسُ الحسینِ<sup>علیه السلام</sup> الی مَجْثَمه حتی دفن مع جثته...»<sup>14</sup> در روز بیستم (صفر)، سر حسین<sup>علیه السلام</sup> به بدنش ملحق و با آن دفن شد».

مستوفی هروی (از مورخان قرن ششم و مترجم کتاب الفتحو نگاشته ابن‌اعثم) بر این باور است که علی بن حسین<sup>علیه السلام</sup> با سایر اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> در روز بیستم صفر، سر مبارک امیرالمؤمنین حسین<sup>علیه السلام</sup> را به بدنش ملحق ساختند.<sup>15</sup>

سبط ابن جوزی (م654ق) ملحق شدن سر به بدن را پس از بازگرداندن آن به همراه اسرا به مدینه، گفته هشام کلبی و غیر او دانسته و آن را مشهورترین قول می‌داند.<sup>16</sup> و<sup>17</sup>

قرطبی (م 671ق) می‌نویسد: امامیه می‌گویند که سر حسین علیه السلام پس از چهل روز، به کربلا بازگردانده و به بدن ملحق شد و این روز نزد آنان معروف است و زیارت در آن روز را زیارت اربعین می‌نامند.<sup>18</sup>

قزوینی (م 682ق) نیز نگاشته است: روز اول ماه صفر، عید بنی‌امیه است، چون در آن روز، سر حسین علیه السلام را به دمشق وارد ساختند و در روز بیستم آن ماه، سر ایشان به بدن، بازگردانده شد.<sup>19</sup> نُویری (م 733ق) یکی از اقوال را در این باره، الحاق سر به بدن دانسته و افزوده است که قائلان به الحاق، دو دسته هستند: گروهی معتقدند که یزید پس از چهل روز سر را به بدن بازگرداند و گروه دیگر بر این باورند که این الحاق در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز بوده است.<sup>20</sup>

حمدالله مستوفی (متوفای پس از 744ق) می‌گوید: اهل بیت علیهم السلام را با سر حسین پیش یزید بن معاویه فرستادند. او به سخن ابوئبرده (برادر ابوموسی اشعری) ایشان را به مدینه فرستاد و سر حسین [باز به کربلا] فرستاد.<sup>21</sup> وی در جای دیگر افزوده است: «پسر ابویوب انصاری، آنجا [شام] بود. یزید را ملامت کرد و سر حسین از او بستد. روز چهارم به تنش رسانیدند».<sup>22</sup>

خواند میر (م 942ق) نگاشته است: «امام چهارم علیه السلام با خواهران و عمت و سایر اقربا، متوجه مدینه طیبه گشته، در بیستم شهر صفر، سر امام حسین علیه السلام و سایر شهیدان کربلا - رضی الله عنهم - را به ابدان ایشان منضم ساخت». وی این قول را صحیح‌ترین قول درباره محل دفن امام علیه السلام دانسته است.<sup>23</sup>

مناوی<sup>24</sup> (م 1031ق)، شبراوی<sup>25</sup> (م 1172ق)، ابن‌صَبَّان<sup>26</sup> (م 1206ق) و شَبْلُنجی<sup>27</sup> (متوفای پس از 1308ق) نوشته‌اند: امامیه می‌گویند: پس از چهل روز از شهادت، سر به بدن بازگردانده شد و در کربلا دفن شد.

این گزارش‌ها، دیدگاه مورخان و نویسندگان شیعه و اهل سنت در این باره بود و چنان‌که ملاحظه می‌شود، بر اساس گزارش‌های یاد شده، قول دفن سر در کربلا، مشهورترین قول در میان شیعه و نیز اهل سنت - بر اساس گفته سبط ابن جوزی<sup>28</sup> - است.

## 2. نجف

در منابع حدیثی شیعه، روایاتی وجود دارد که حاکی از دفن سر امام حسین علیه السلام کنار قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است. این روایات چنین است:

1. بر اساس برخی از روایات، سر امام<sup>علیه السلام</sup> توسط یکی از موالی امام صادق<sup>علیه السلام</sup> از شام به نجف آورده شد و در کنار قبر امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> دفن شد، چنان که یزیدبن عمر بن طلحه می گوید: امام صادق<sup>علیه السلام</sup> وقتی در حیره بود، به من فرمود: آیا آنچه به تو وعده داده بودم، نمی خواهی؟ گفتم آری، یعنی رفتن نزد قبر امیرمؤمنان - که دروذهای خدا بر او باد. پس امام و (پسرش) اسماعیل و من سوار مرکب شدیم تا آنکه از ثویته (مکانی میان حیره و نجف کنار تپه های سفید) گذشتیم. پس امام<sup>علیه السلام</sup>، اسماعیل و من فرود آمدیم و همگی نماز خواندیم. امام<sup>علیه السلام</sup> به اسماعیل فرمود: برخیز و بر جدت حسین<sup>علیه السلام</sup> سلام بده. گفتم: فدایت شوم مگر حسین در کربلا نیست؟ فرمود: آری، لکن چون سرش به شام برده شد، غلامی از ما آن را ربود و در کنار قبر امیرمؤمنان<sup>علیه السلام</sup> دفن کرد.<sup>29</sup>

2. در برخی روایات آمده است که در نجف، دو قبر است: قبر بزرگ و قبر کوچک، چنان که علی بن أسباط از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> روایت می کند که وقتی به نجف آمدی، دو قبر خواهی دید. قبر بزرگ و قبر کوچک، اما بزرگ، قبر امیرمؤمنان<sup>علیه السلام</sup> است و اما کوچک، سر حسین<sup>علیه السلام</sup> است.<sup>30</sup>

3. در روایتی آمده است که ابان بن تغلب می گوید: من همراه امام صادق<sup>علیه السلام</sup> بودم، حضرت چون از پشت کوفه گذشت، فرود آمده و دو رکعت نماز خواند، سپس اندکی جلو رفت، دو رکعت نماز خواند، سپس اندکی راه رفت و فرود آمد و دو رکعت نماز خواند. آنگاه فرمود: این قبر امیرمؤمنان<sup>علیه السلام</sup> است. گفتم: فدایت شوم، آن دو جای دیگری که نماز خواندی، کجا بودند؟ فرمود: جایگاه سر حسین<sup>علیه السلام</sup> و جایگاه منبر (امام) قائم.<sup>31</sup>

4. یونس بن ظَبَّیان در روایتی، از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> نقل کرده است که همراه حضرت از حیره خارج شده و به تپه های سرخ نجف رسیدیم. امام<sup>علیه السلام</sup> پس از وضو گرفتن، به تپه ای نزدیک شده و در آنجا نماز خواندند، سپس به تپه ای پایین تر از تپه نخست رفته و در آنجا نیز نماز به جا آورد و به من فرمود: ای یونس، همان کاری که من کردم، بکن. من نیز چنان کردم. چون فراغت یافتم، به من فرمود: اینجا را می شناسی؟ گفتم: نه. فرمود: جای اولی را که نماز خواندی، قبر امیرمؤمنان<sup>علیه السلام</sup> است و تپه دیگر، محل دفن سر حسین بن علی<sup>علیه السلام</sup> است. عبیدالله بن زیاد ملعون چون سر را به شام فرستاد، به کوفه بازگردانده شد. ابن زیاد گفت: آن را از اینجا بیرون ببرید تا کوفیان مفتون آن نشوند. خدا آن را نزد قبر امیرمؤمنان<sup>علیه السلام</sup> قرار داد. پس سر با بدن است و بدن با سر.<sup>32</sup>

### 3. مدینه

برخی از مورخان اهل سنت، گزارش کرده‌اند که وقتی که یزید اسرا را رهسپار مدینه کرد، سر امام حسین علیه السلام را نزد عمرو بن سعید بن عاص، کارگزارش در مدینه فرستاد و او آن را کفن کرده و در بقیع نزد قبر مادرش فاطمه علیه السلام دفن کرد.<sup>33</sup>

نویری، علت ارسال سر را به مدینه توسط یزید، چنین گزارش کرده است:

برخی گفته‌اند: یزید، نعمان بن بشیر انصاری را مأمور کرد تا سر حسین را به مدینه ببرد تا مردم آن را مشاهده کنند و با این شیوه، عبدالله بن زبیر (یکی از مدعیان خلافت) را بترساند. چون سر به مدینه رسید، عمرو بن سعید اشدق پس از اظهار عدم تمایل به دریافت سر، آن را کفن کرده و در کنار قبر مادرش فاطمه علیه السلام دفن کرد.<sup>34</sup>

نویری افزوده است که برخی دیگر گفته‌اند که سر نزد بنی‌هاشم فرستاده شد و آنان آن را پس از غسل و کفن و نماز خواندن بر آن در کنار قبر فاطمه علیه السلام دفن کردند.<sup>35</sup>

### نقد و بررسی

احتمال آنکه سر امام علیه السلام از شام به مدینه فرستاده شده باشد، با برخی از گزارش‌ها همخوانی دارد، چنان‌که گزارش شده است که وقتی امام سجاد علیه السلام از یزید می‌خواهد سر پدرش را به او بدهد، یزید می‌گوید که هرگز سر را نخواهی دید.<sup>36</sup> اما اینکه سر در مدینه دفن شده باشد، نمی‌توان پذیرفت، زیرا افزون بر آنکه با برخی از گزارش‌ها که حاکی است سر مجدداً به شام بازگردانده شد، منافات دارد، چنان‌که بلاذری به نقل از کلبی، نگاشته است که یزید سر حسین علیه السلام را به مدینه فرستاد و سپس به دمشق بازگردانده شد،<sup>37</sup> با دیدگاه مشهور، یعنی الحاق سر به بدن نیز همخوانی ندارد.

### 4. دمشق

برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که سر امام حسین علیه السلام در دمشق دفن شده، اما اینکه در کجای این شهر دفن شده است، گزارش‌ها متفاوت است. بلاذری، اقوال ذیل را بیان کرده است:

1. قصر (دارالاماره)؛<sup>38</sup> 2. بوستان قصر<sup>39</sup> (در محوطه چهار دیواری قصر)؛ 3. بوستانی در دمشق؛<sup>40</sup> 4. قبرستان.<sup>41</sup>

نویری در این باره، پنج قول دیگر ذکر کرده است:

1. دروازه فرادیس: ابن ابی‌الدنیا به نقل از منصور بن جمهور در کتاب مقتل خود نگاشته است که سر حسین<sup>علیه السلام</sup> را در خزانه یزیدین معاویه یافته است و آن را در پارچه‌ای پیچیده و در برج و باروی سوم دروازه فرادیس از سمت مشرق، دفن کرده است.<sup>42</sup>
  2. مسجد دمشق: استرآبادی در کتابش به نام *الداعی الی وداع الدنیا* به نقل از ابوسعید زاهد نگاشته است که سر حسین<sup>علیه السلام</sup> در مسجد دمشق بر سر یک استوانه دفن شده است.<sup>43</sup>
  3. سر دو ستون سمت راست قبله؛<sup>44</sup>
  4. در قبر معاویه توسط یزید؛<sup>45</sup>
  5. در مقابر مسلمانان توسط سلیمان بن عبدالملک.<sup>46</sup>
- اما ابن عساکر و بعدها ذهبی، قول دیگری نیز نقل کرده‌اند و گفته‌اند که نزدیک باب توما در دمشق دفن شده است.<sup>47</sup>

### نقد و بررسی

اگرچه برخی از اقوال این دیدگاه، قدمت نسبتاً مناسبی دارد، اما افزون بر آنکه بر اساس این دیدگاه، در محل دفن سر در دمشق، اختلاف است و تا ده قول در این باره گفته شده است، با اقوال دیگر نیز، به ویژه دو قول نخست که آن دو نیز قدمت دارند - و حتی قول دوم، مبتنی بر برخی از روایات است - ناهمگون و ناهم‌سو می‌باشد.

### 5. رَقَّة\*

این قول را سبط ابن جوزی به نقل از مقتل عبدالله بن عمرو و راق نقل کرده و افزوده است که وقتی سر [حسین بن علی<sup>علیه السلام</sup>] را نزد یزید حاضر کردند، گفت: آن را به عوض سر عثمان نزد خاندان ابی‌معیط می‌فرستم. و چون آنان در رَقَّة ساکن بودند، یزید سر را نزدشان فرستاد و آنان آن را در خانه‌ای دفن کردند که بعدها آنجا جزء مسجد جامع شد.<sup>48</sup>

### 6. کوفه

سبط ابن جوزی گزارش دیگری آورده است مبنی بر آنکه عمرو بن حُرَیث مخزومی، سر امام<sup>علیه السلام</sup> را از ابن زیاد گرفت و پس از شست‌وشو و تمیز کردن و کفن کردن آن، در خانه‌اش در کوفه که به «دارالخرز» شناخته می‌شد، دفن کرد.<sup>49</sup>

این قول و قول پنجم افزون بر آنکه از قدمت لازم برخوردار نیست، به سبب متفرد بودن آن از اعتبار لازم را نیز ندارد؛ از این رو پذیرفته نمی‌شود.

### 7. عَسْقَلَان<sup>50</sup>

در این باره گزارش‌ها متفاوت است. برخی از گزارش‌ها حاکی از آن است که گروهی از اهل عَسْقَلَان نزد یزید بودند و از وی درخواست کردند تا سر نزد آنان دفن شود و یزید سر را به آنان داد، آنان آن را در شهرشان دفن کرده و بر آن بارگاهی ساختند.<sup>51</sup>

اما بر اساس گزارش دیگری، شخصی در عصر خلافت مستنصر بالله (420 - 487ق) - یکی از خلفای فاطمی - و وزارت بدر جمالی در خواب دید که سر امام علیه السلام در عسقلان است و در خواب برایش محل آن مشخص شد. او آنجا را نبش کرد و بدر جمالی بارگاهی برای آن ساخت.<sup>52</sup>

این قول نیز به سبب عدم قدمت آن و اختلاف در زمان و سبب دفن سر در عسقلان و به‌طور کلی مخالفت آن با اقوال دیگر و نیز عدم وجود قراین و شواهدی در تأیید آن، غیرمعتبر و مردود است، چنان‌که برخی از محققان معاصر نیز این قول را با دلایلی رد کرده‌اند.<sup>53</sup>

### 8. قاهره (مصر)

یاقوت حموی در این باره نگاشته است: در قاهره، مزاری است که سر حسین بن علی علیه السلام در آن قرار دارد ... و آن در پشت کاخ سلطنتی می‌باشد.<sup>54</sup>

سیط ابن جوزی، قول پنجم در محل دفن سر امام علیه السلام را قاهره مصر دانسته و نگاشته است که خلفای فاطمی آن را از دروازه فرادیس (در دمشق) به عسقلان انتقال داده و سپس به قاهره برده و سر حسین علیه السلام را در آنجا دفن کرده و بارگاه بزرگی بر آن ساختند که اکنون زیارتگاه است.<sup>55</sup>

ابن نما نیز در این باره نوشته است: گروهی از اهل مصر به من گفتند که آنان به مشهد الرأس که نزد آنان است، مشهد کریم گویند و بر آن طلای بسیاری است و در موسم‌های خاصی آن را زیارت کرده و گمان می‌کنند که سر، آنجا دفن شده است.<sup>56</sup>

نویری علت انتقال سر را از عسقلان به قاهره، این‌گونه نگاشته است که اروپایی‌ها در سال 548ق بر عسقلان حاکم شدند و سر، از راه دریا به قاهره منتقل شد.<sup>57</sup>



صَفَدی (م764ق) نیز نوشته است که برخی گمان کرده‌اند که خلفای فاطمی سر حسین<sup>علیه السلام</sup> را از عسقلان به مصر منتقل کرده و در همان جایی که امروز به بارگاه حسین در قاهره معروف است، دفن کردند.<sup>58</sup>

مَقْرِیزی (م845ق) گزارش کرده است که سر حسین<sup>علیه السلام</sup> روز یکشنبه هشتم جمادی الآخر سال 548 به قاهره منتقل شد و روز سه‌شنبه دهم همان سال به قاهره رسید و به (باغ) کافوری<sup>59</sup> برده شد، سپس از سرداب به کاخ زمرد برده شد و در (زیر) گنبد دیلم در در راهرو خدمت (راهرویی که از طریق آن به خدمت خلیفه می‌رسیدند) دفن شد.<sup>60</sup>

در نقد و ردّ این قول، باید گفت که به نظر می‌رسد خلفای فاطمی چنین ادعایی طرح کردند تا ادعای خود مبنی بر انتسابشان به فرزندان فاطمه را ترویج کنند، چنان‌که برخی از مورخان اهل سنت نیز به این نکته اشاره کرده‌اند.<sup>61</sup>

## 9. مرو

سمعانی (م562ق) به نقل از کتاب *المراوِرة* معدانی، نگاشته است که سر حسین بن علی<sup>علیه السلام</sup> در مرو در قصر ساکنان زرتشتی، سمت راست (در) ورودی، پای دیوار، دفن شده است.<sup>62</sup>

نوبری ابتدا به توضیح این گزارش و سپس به نقد آن، پرداخته است. وی در توضیح آن، نگاشته است: آن که گفته است سر حسین در مرو دفن شده، می‌گوید: چون ابومسلم خراسانی دمشق را تصرف کرد، سر را گرفت و به مرو برده و در دارالاماره دفن کرد.<sup>63</sup>

اما وی در نقد این گفته از قول عمر بن ابی‌المعالی نوشته است: اینکه ابومسلم سر را به خراسان منتقل کرده باشد، بسیار بعید به نظر می‌رسد، چرا که فاتح شام، عبدالله بن علی بن [عبدالله بن] عباس بوده است نه ابومسلم، از این رو چگونه می‌توان تصور کرد که او سر را به خراسان منتقل کرده یا برای او امکان انتقال بوده است. اگر او سر را در خزائن بنی‌امیه یافته بود، آن را به مردم نشان می‌داد تا بر دشمنی مردم نسبت به بنی‌امیه بیفزاید. افزون بر این، چون عمر بن عبدالعزیز خلیفه شد، بعید است که وی سر را در خزانه سلاح به حال خود رها کرده باشد و آن را دفن نکرده باشد.<sup>64</sup>

## 10. حرّان

حمدالله مستوفی بدون ارائه هیچ سندی، یکی از اقوال محل دفن را «حرّان» گفته است،<sup>65</sup> که به هیچ رو نمی‌توان پذیرفت.

### جمع بندی، نتیجه‌گیری و بیان نظریه مختار

از بررسی اقوال بیان شده، به این نتیجه می‌توان دست یافت که جز قول اول (قول مشهور علمای شیعه) و قول دوم که در منابع حدیثی شیعه از قول ائمه علیهم‌السلام درباره آن روایاتی وارد شده است، بقیه اقوال، گفته مورخان و اندیشمندان اهل سنت است، از این‌رو با آنکه برخی از آن اقوال همانند قول سوم و چهارم از قدمت زیادی برخوردارند، اما افزون بر اشکالاتی که برای اقوال یاد شده بیان شد، چون نه روایتی از معصوم درباره آنها نقل شده است و نه اندیشمندان شیعه به آن قائل شده‌اند، نمی‌توان به آنها اعتنا کرد.

اما درباره دیدگاه دوم (دفن سر در نجف) باید گفت که اگرچه برخی از روایات، قول به دفن سر امام علیه‌السلام در کنار (یا پایین) قبر امیرالمؤمنین علیه‌السلام را تأیید می‌کند و نیز زیارت امام حسین علیه‌السلام نزد سر امیرالمؤمنین علیه‌السلام وارد شده است،<sup>66</sup> با این وجود، روایات یاد شده در مرئی و منظر علما و فقهای شیعه بوده است و هیچ یک به مضمون آن پای‌بند نشده و به آن اعتماد نکرده‌اند، زیرا افزون بر آنکه اسناد آنها تمام نبوده و رجال آن معروف و مشهور نیستند<sup>67</sup>، مضمون آنها درباره محل دفن سر نیز با یکدیگر همخوانی ندارد، چنان‌که برخی از آنها محل دفن سر را، «ذکوات»<sup>68</sup> (= تپه‌های سفید یا سرخ) و برخی دیگر، «جوف»<sup>69</sup> (یا جُرف) دانسته‌اند.<sup>70</sup> همچنین برخی از آنها همانند روایت یونس بن ظبیان از امام صادق علیه‌السلام، افزون بر آنکه امر عجیب و غریبی را بیان می‌کند، بر بقای سر در کنار قبر امیرالمؤمنین علیه‌السلام دلالت نمی‌کند، بلکه می‌توان از ظاهر آن چنین استفاده کرد که پس از دفن، سر به بدن در کربلا ملحق شده است.<sup>71</sup> از این‌رو اندیشمندان شیعه تنها دیدگاه نخست، یعنی «الحاق سر به بدن» را پذیرفته و به آن اعتماد کرده‌اند.

بنابراین، اگرچه درباره دیدگاه اول هیچ خبری از امامان معصوم علیهم‌السلام وارد نشده، اما این دیدگاه در طول قرون متمادی شهرت خاصی داشته و مورد اعتماد و عمل علمای شیعه بوده است. این امر حاکی از آن است که دیدگاه یاد شده در قرن‌های اولیه، از مسلمات اعتقادی و تاریخی شیعه بوده است تا جایی که در آن زمان - بدون توجه به آنکه در آینده این قول مورد تردید قرار خواهد گرفت - ضرورت دانسته نشده مستند به قول معصوم یا گزارش‌های معتبر تاریخی شود. بر این اساس، دیدگاه یاد شده قابل اعتنا و پذیرش است.

### دوم: مدفن و فرجام سرهای سایر شهدا

اگرچه بر اساس گزارش‌های تاریخی، سرهای دیگر شهدا نیز از کوفه به شام فرستاده شد،<sup>72</sup> اما درباره مکان دفن آنها، گزارش‌های چندان معتبری در دست نیست و در مجموع سه گزارش و گفته ذیل در این باره وجود دارد:

### 1. دفن سرها در جَبَانَه\* کوفه

ابن سعد نگاشته است که وقتی اسرا در قصر ابن زیاد زندانی شدند، شخصی به نام ابو خالد ذکوان به ابن زیاد گفت: این سرها را به من واگذار تا آنها را دفن کنم؛ او آنها را کفن کرده و در (قبرستان) جَبَانَه (کوفه) دفن کرد و سوار بر مرکب خود شده و به سوی اجساد آنان رفته و پس از تکفین، آنها را دفن کرد.<sup>73</sup>

این قول را به هیچ‌رو نمی‌توان پذیرفت، چرا که - چنان نگاشته شد - اولاً: با نصوص تاریخی که بر بردن سرهای شهدا به شام نزد یزید دلالت دارد، ناسازگار است، ثانیاً: در ادامه گزارش آمده است که ذکوان، اجساد آنها را نیز دفن کرد که این امر با مسلمات تاریخ عاشورا منافات دارد، زیرا بر اساس گزارش‌های معتبر، اهل غاضریه، دفن کنندگان شهدا بوده‌اند،<sup>74</sup> نه شخصی به نام ذکوان.

### 2. الحاق سرها به بدن‌ها

مستوفی هروی و بعدها خواندمیر، نگاشته‌اند که اسرای اهل بیت علیهما السلام، سرهای دیگر شهدا را همراه سر امام<sup>علیه السلام</sup> به کربلا آورده و در کنار بدن‌هایشان دفن کردند.<sup>75</sup>

این گزارش از این‌رو که از گزارش‌های متأخر است و در منابع کهن، نیامده، چندان اعتباری ندارد.

### 3. دفن برخی سرها در مقبره باب الصغیر شام

اما از محققان معاصر، سید محسن امین عاملی، دیدگاه دیگری دارد و در این باره نگاشته است: در سال 1321ق در مقبره معروف به مقبره باب‌الصغیر در دمشق، بارگاهی را دیدم که جلوی در آن، سنگی بود و روی آن نوشته شده بود: اینجا محل دفن سرهای عباس بن علی<sup>علیه السلام</sup>، علی بن الحسین اکبر<sup>علیه السلام</sup> و حبیب بن مظاهر است. پس از چند سال، آنجا را خراب کرده و تجدید بنا کردند و آن سنگ از بین رفت و ضریحی داخل بارگاه ساخته بودند و اسامی بسیاری از شهدای کربلا را روی آن نوشته بودند، در حالی که آنجا در حقیقت منسوب به آن سه سر بود. البته به گمان قوی چنین انتسابی صحیح باشد، زیرا پس از حمل سرهای شریف به دمشق و گرداندن آنها و پایان یافتن مقصود یزید که اظهار پیروزی، آزار و اذیت کردن اسرا و انتقام‌گیری از آنان بود، چاره‌ای جز دفن آنها در یکی از مقابر نبوده است، پس این سه سر در مقبره باب‌الصغیر دفن شد و مکان دفن آنها حفظ شد.<sup>76</sup>

اگرچه گفته این محقق، به ظاهر درست به نظر می‌رسد، اما اثبات چنین ادعایی که تنها

سند آن سنگ نیشته‌ای است که معلوم نیست چه کسی و چه زمانی آن را نوشته و در مکان یاد شده قرار داده، مشکل است.

### نتیجه

از آنچه نوشته شد، به این نتیجه می‌توان رهنمون شد که اگرچه روایتی از معصومان علیهم‌السلام درباره دیدگاه نخست (الحاق سر به بدن در کربلا) نرسیده است، اما با توجه به شهرت آن در میان شیعه و سنی و اعتماد علمای شیعه بر آن، این دیدگاه مورد اعتماد و قابل پذیرش است. همچنین اسناد معتبر کهن درباره فرجام و محل دفن سرهای دیگر، وجود ندارد و تنها برخی از سندهای متأخر، همانند گزارش‌های مستوفی هروی و خواندمیر که البته معلوم نیست آنان از چه منبعی نقل کرده‌اند، حاکی از آن است که سرهای شهدا به کربلا برده و به بدن‌ها ملحق شده است که اعتبار لازم را ندارد.

صرف نظر از دستاورد این پژوهش که درصدد تعیین محل دفن سر امام علیه‌السلام است، عشق به امام علیه‌السلام و آرمان‌هایش در طول تاریخ، هر انسان معتقدی را شیفته آن حضرت ساخته است. بنابراین، چندان مهم نیست سر و بدن مطهر امام حسین علیه‌السلام کجا دفن شده باشد، بلکه آنچه مهم است آن که شخصیت والای امام علیه‌السلام همیشه در دل همه شیعیان و محبان خود جای داشته و خواهد داشت. سخن برخی از مورخان و اندیشمندان در این باره، شنیدنی است. سبب ابن جوزی پس از شمردن اقوال مکان دفن، می‌افزاید:

به هر حال، در هر جایی که سر یا پیکرش باشد [نام و یاد] او در دل‌ها، اذهان و خاطره‌ها جای دارد، چنان‌که برخی از استادان ما در این باره سروده‌اند:

لا تطلبوا المولی حسین بأرض شرق او بغرب

وَدَعُوا الْجَمِيعَ وَعَرَجُوا نَحْوَى فَمَشْهَدِهِ بَقَلْبِي<sup>77</sup>

مولا حسین را در سرزمین شرق یا غرب نجوید

و همه جا را رها کنید و به سوی من آید که مشهد او در دل من است.

همچنین عقاد، اندیشمند معاصر مصری در این باره می‌نویسد:

در هر جایی که آن سر شریف دفن شده باشد، مورد تعظیم و احترام است. حسین به سبب برخورداری از منزلت شهادت، نشان شجاعت و شرافت خاندانی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حقیقتی گردید که انسان همیشه او را در سینه و خاطرش دارد، چه نزدیک و چه دور از قبرش باشد. حقیقتی که در کربلا، دمشق، ... و غیر این جاها، یکی است.<sup>78</sup>

پی‌نوشت‌ها .....

1. طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج 4، ص 352؛ شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج 2، ص 119؛ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج 1، ص 473.
2. سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعة، تحقیق و تخریج حسن الامین، ج 1، ص 626 - 627 و همو، لواعج الاشجان، ص 247 - 250.
3. فضل علی قزوینی، الامام الحسین و اصحابه، تحقیق سیداحمد حسینی، قم، ص 427 - 435.
4. سید علی قاضی طباطبایی، تحقیق در اول اربعین حضرت سیدالشهداء، ص 304 - 353.
5. شیخ صدوق، الامالی، مجلس سی و یکم، ص 232؛ ابن فتال نیسابوری، روضة الواعظین، ص 192؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 140.
6. رسائل المرتضی، ج 3، ص 130.
7. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج 1، ص 477.
8. تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم، ص 33.
9. مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 85؛ قال الطوسی: و منه زیارة الاربعین. مجلسی، پیشین، ج 44، ص 199.
10. نجم‌الدین محمد بن محمد بن جعفر بن نما حلی، مثیر الاحزان، ص 85.
11. سید ابن طاووس، الملهوف فی قتلی الطفوف، ص 114؛ سید محمد بن ابی طالب، تسلیة المجالس و زینة المجالس، ج 2، ص 459.
12. مجلسی، پیشین، ج 98، ص 334.
13. همان، ج 45، ص 145.
14. بیرونی، آثار الباقیة عن القرون الخالیة، ص 331.
15. محمد بن احمد مستوفی هروی، ترجمه الفتوح، ص 916.
16. سید بن جوزی، تذکرة الخواص من الامة بذکر خصائص الائمة، تحقیق حسین تقی زاده، ج 2، ص 206؛ اختلافوا فی الرأس علی أقوال: اشهرها انه رُدّ الی المدینة مع السبایا، ثم رد الی الجسد بکربلاء فدفن معه، قاله هشام و غیره.
17. یکی از محققان معاصر درباره عبارت «رد الی المدینة مع السبایا» احتمالاتی داده است. یکی آن که احتمال تصحیف در آن را داده و صحیح آن را «رده ابن زیاد مع السبایا الی الشام ثم رد الی کربلا» دانسته است، چنانکه احتمال داده مقصود از مدینه، «مدینة الشام» باشد، چرا که ارسال سر و اسرا به مدینه و از آنجا به کربلا، بسیار بعید است. وی احتمال سومی نیز داده و آن این که یزید سر را همراه اهل بیت به مدینه فرستاد، اما آنان از بین راه به کربلا رفته و سر را به بدن ملحق کردند (فضل علی قزوینی، الامام الحسین و اصحابه، ج 1، ص 428).
18. محمد بن احمد قرطبی، التذکرة فی امور الموتی و امور الآخرة، ج 2، ص 668.
19. زکریا محمد بن محمود قزوینی، عجائب المخلوقات و الحيوانات و غرائب الموجودات، چاپ شده در حاشیة حیا الحيوان الکبری، کمال‌الدین دمیری، ج 1، ص 109.
20. احمد بن عبدالوهاب نویری، نهاية الارب فی فنون الادب، ج 20، ص 300.

21. حمدالله بن ابی بکر بن احمد مستوفی قزوینی، تاریخ گزیده، ص 202.
22. همان، ص 265.
23. غیاث الدین بن همام الدین حسینی مشهور به خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ص 60.
24. محمد عبدالرؤف مناوی، فیض القدیر، ج 1، ص 205.
25. عبدالله بن محمد بن عامر شبراوی، الإتحاف بحب الأشراف، تحقیق سامی الغزیری، ص 127. او در این باره نوشته است: و گفته شده: پس از چهل روز از شهادتش، سر به بدن در کربلا برگردانده شد.
26. محمد بن علی صبان، إسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی و فضائل اهل بیته الطاهرین، ص 215.
27. مؤمن بن حسن مؤمن شبلنجی، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص 269.
28. سبط ابن جوزی، پیشین، ج 2، ص 206.
29. شیخ کلینی، الفروع من الکافی، ج 4، ص 571؛ ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، باب 9، ص 83؛ سید عبد الکریم بن طاووس، فرحة الغری، ص 92-93؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 178، حدیث 28. و مشابه آن: ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 35-36؛ طبرسی، تاج الموالید، ص 34؛ ابن شهر آشوب، پیشین، ج 4، ص 85؛ سید ابن طاووس، فرحة الغری، ص 92-94.
30. ابن قولویه، پیشین، باب 9، ص 84؛ سید عبدالکریم بن طاووس، پیشین، ص 88.
31. شیخ کلینی، پیشین، ج 4، ص 572؛ ابن قولویه قمی، پیشین، باب 9، ص 83-84؛ سید عبدالکریم بن طاووس، پیشین، ص 87. شیخ طوسی نیز مشابه چنین خبری را از مبارک ختاز نقل کرده است (پیشین، ج 6، ص 34 - 35). همچنین ابن طاووس چند روایت دیگر را به این مضمون از امام صادق ؑ نقل کرده است (فرحة الغری، ص 86 به بعد).
32. ابن قولویه قمی، پیشین، باب 9، ص 86 - 87؛ مجلسی، پیشین، ج 45، ص 178 و ج 97، ص 243 - 244. افزون بر آن که راوی این خبر یعنی یونس بن ظبیان، در منابع رجالی، ضعیف شمرده شده است (سید ابوالقاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الروا، ج 21، ص 207) این که مقصود از جمله آخر خبر یعنی «سر با بدن است و بدن با سر» روشن نیست، از این رو مورد بحث و توجیه برخی از اندیشمندان شیعه قرار گرفته است، ر.ک: بحار الانوار، ج 45، ص 178 و ج 97، ص 244.
33. محمد بن سعد، ترجمة الحسین ؑ و مقتله، ص 85 و همو، الطبقات الکبری، ج 5، ص 238؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج 2، ص 83؛ ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی، المنتظم فی الامم و الملوک، ج 5، ص 344 و همو، الرد علی المتعصب العنید، ص 50؛ سبط ابن جوزی، پیشین، ج 2، ص 206؛ ابن نما، مشیر الاحزان، ص 85؛ ابن تیمیه، رأس الحسین ؑ، ص 197 و 208؛ عبدالله بن اسعد یافعی شافعی، مرآ الجنان و عبر الیقظان، حیدرآباد - دکن، دائرة المعارف النظامیة الکائنة، 1337 ق، ج 1، ص 135 - 136؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 3، ص 315 - 316؛ ابن کثیر، البداية و النهاية، ج 8، ص 222.
34. نویری، پیشین، ج 20، ص 301 - 302.
35. همان، ج 20، ص 302.

36. ابن نما، پیشین، ص 85؛ سیدابن طاووس، *المهوف علی قتلی الطفوف*، ص 224؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج 45، ص 144.
37. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج 3، ص 418. همچنین از گزارش قاضی نعمان مغربی که گفته است: «هنگامی که یزید فرمان داد تا سر حسین<sup>ع</sup> را در شهرها بگردانند، آن را به مدینه آوردند» چنین برداشت می‌شود که طبیعتاً پس از گرداندن، بایستی دوباره به دمشق بازگردانده شده باشد (ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی مغربی، *شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار*، ج 3، ص 159).
38. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج 3، ص 416 و 418؛ سبط ابن جوزی، پیشین، ج 2، ص 208.
39. بلاذری، همان، ج 3، ص 416.
40. همان، ج 3، ص 416 و 418.
41. همان، ج 3، ص 418.
42. نویری، پیشین، ج 20، ص 299 - 300. مورخان دیگر نیز این قول را نقل کرده‌اند: ابن حبان، *الثقات*، ج 3، ص 69؛ ابن جوزی، *الرد علی المتعصب العنید*، ص 50 و همو، *المنتظم فی الامم و الملوک*، ج 5، ص 344؛ سبط ابن جوزی، پیشین، ج 2، ص 208؛ ابن نما، *مثیر الاحزان*، ص 85؛ ابن کنیر، *البداية و النهاية*، ج 8، ص 222.
43. نویری، پیشین، ج 20، ص 300؛ محمود بن عمر زمخشری، *ربیع الابرار و نصوص الاخبار*، ج 3، ص 349. ابن حبان در این باره نوشته است: بر سر ستونی در مسجد جامع دمشق، سمت راست قبله (الثقات، ج 3، ص 69).
44. نویری، پیشین، ج 20، ص 300.
45. نویری، پیشین، ج 20، ص 300. ابن حبان (پیشین، ج 3، ص 69) این قول را بیان کرده است.
46. نویری، پیشین، ج 20، ص 299 - 300. مورخان دیگر نیز این قول را گزارش کرده‌اند: شجری، *الامالی الخمیسیة*، ج 1، ص 176؛ خوارزمی، *مقتل الحسین*، ج 2، ص 83؛ ابن عساکر دمشقی، *تاریخ مدینه دمشق*، ج 69، ص 161؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج 3، ص 319؛ صفدی، *الوافی بالوفیات*، ج 12، ص 264؛ ابن کنیر، پیشین، ج 8، ص 222.
47. ابن عساکر دمشقی، پیشین، ج 67، ص 159، شماره 8784؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج 3، ص 316؛ همو، *تاریخ الاسلام*، ج 5، ص 20.
- \* رَقه (به فتح راء و قاف) شهر مشهوری است بر کنار فرات که از شهرهای جزیره به حساب می‌آمده و از آنجا تا حرآن سه روز راه بوده است (یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج 3، ص 59). رقه، اکنون جزء شهرهای کشور سوریه است.
48. سبط ابن جوزی، پیشین، ج 2، ص 208.
49. همان، ج 2، ص 191 - 192.
- <sup>50</sup> عسقلان، شهری در شام از توابع فلسطین بوده که در کنار دریا بین غزه و بیت جبرین قرار داشته است و (و در آن زمان) همانند دمشق، به عروس شام شهرت داشته است (یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج 4، ص 122). اکنون این شهر از شهرهای ساحلی دریای مدیترانه است که بین دو شهر غزه و اشدود (اسدود) در فلسطین اشغالی قرار دارد.
51. محمدبن علی بن محمد عمرانی (م 580ق)، *الانباء فی أخبار الخلفاء*، ص 54.

52. نویری، پیشین، ج 20، ص 300.
53. قاضی طباطبایی، پیشین، ص 316 به بعد.
54. حموی، معجم البلدان، ج 5، ص 142.
55. سبط ابن جوزی، پیشین، ج 2، ص 209.
56. ابن نما، مشیر الاحزان، ص 85.
57. پیشین، ج 20، ص 300.
58. صفدی، الوافی بالوفیات، ج 12، ص 264.
59. نام باغی بوده که یکی از امرای مصر به نام ابوبکر محمد بن طنج بن جف اخشید معروف به کافور اخشیدی بنا کرده است (تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، المعروف بالخطط المقریزية، ج 2، ص 377).
60. همان، ج 2، ص 323.
61. ابن کثیر، البداية و النهاية، ج 8، ص 222. همچنین شهید قاضی طباطبایی در رد این قول، مطالبی را نگاشته است (پیشین، ص 306 به بعد).
62. عبدالکریم بن محمد سمعانی، الانساب، تعلیق عبدالله عمر بارودی، ج 3، ص 370. و نیز رک: محمد بن احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص 46 و 333.
63. نویری، پیشین، ج 20، ص 300.
64. همان، ج 20، ص 302.
65. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، ص 202.
66. ابن مشهدی، المزار، ص 214؛ سید عبد الکریم بن طاووس، فرحة الغری، ص 123 - 124.
67. سید عبدالرزاق مرقم، مقتل الحسین، ص 363؛ فضل علی قزوینی، الامام الحسین و اصحابه، ج 1، ص 431؛ سیدعلی قاضی طباطبایی، تحقیق در اول اربعین حضرت سیدالشهداء، ص 340.
68. همانند خبر فروع کافی، ج 4، ص 571 و کامل الزیارات، باب 9، ص 83.
69. همانند خبر مبارک خباز در تهذیب الاحکام، ج 6، ص 35 - 36 و فرحة الغری، ص 87.
70. قزوینی، پیشین، ج 1، ص 432.
71. قزوینی، پیشین، ج 1، ص 433.
72. بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ج 3، ص 415؛ طبری، پیشین، ج 4، ص 351؛ ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج 5، ص 127؛ شیخ مفید، پیشین، ج 2، ص 118؛ سبط ابن جوزی، پیشین، ج 2، ص 193.
- \* کوفیان به مقابر، جَبَّانَه (به فتح جیم و تشدید باء) و اهل بصره به آن مقبره گویند (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج 2، ص 99).
73. محمد بن سعد، ترجمة الحسین و مقتله، ص 81.
74. بلاذری، پیشین، ج 3، ص 411؛ طبری، پیشین، ج 4، ص 348؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج 2، ص 44؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 121.
75. محمد بن احمد مستوفی هروی، ترجمه الفتوح، ص 916؛ خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد



بشر، ص 60.

76. محسن امین، اعیان الشیعة، تحقیق و تخریج حسن الامین، ج 1، ص 627.

77. سبط ابن جوزی، پیشین، ج 2، ص 209. همچنین شیخ مهدی قُلُوجی حلی (م 1357ق) نیز در این باره

سروده است :

لاتطلبوا رأس الحسین فانه لا فی جمی ثاؤ و لافی واد

لکتما صِفُو الولاءِ یدلکم فی انه المقبور وسط فؤادی

سر حسین<sup>علیه السلام</sup> را نجوید، چون نه در حرم و حصارى و نه در دره‌ای (مدفون) است.

لکن ولایت خالص و ناب، شما را راهنمایی می‌کند که حسین<sup>علیه السلام</sup> در اعماق و ژرفای دل من مدفون است.

(محمد علی یعقوبی، البابیات، ج 3، القسم الثانی، ص 128).

78. عباس محمود عقاد، ابوالشهداء، الحسین بن علی<sup>علیه السلام</sup>، ص 111.

## منابع

- ابن اسعد يافعي شافعي، عبدالله، مرآة الجنان و عبرة اليقظان، حيدر آباد - دكن، دائرة المعارف النظامية الكائنة، 1337 ق.
- ابن اعثم كوفي، ابومحمد احمد بن علي، كتاب الفتوح، تحقيق على شيري، بيروت، دارالاضواء، 1411 ق.
- ابن تيميه، تقي الدين ابوالعباس احمد، رأس الحسين ﷺ، تحقيق السيد الجُمَيْلي، بيروت، دارالكتاب العربي، 1406 ق.
- ابن جوزي، ابوالفرج عبدالرحمان بن علي بن محمد، المنتظم في تاريخ الامم و الملوك، تحقيق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، 1412 ق.
- \_\_\_\_\_ الردّ على المتعصب العنيد، تحقيق محمد كاظم محمودي، بي.جا، التراث الاسلامي العظيم، 1403 ق.
- ابن سعد، محمد، ترجمة الامام الحسين و مقتله، تحقيق سيد عبدالعزيز طباطبائي، قم، مؤسسة اهل البيت لإحياء التراث، 1415 ق.
- \_\_\_\_\_ الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر، [بي.تا].
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب، تحقيق يوسف البقاعي، [بي.جا]، انتشارات ذوالقربي (افست دارالاضواء)، 1379 ش.
- ابن طاووس، سيد رضی الدين ابوالقاسم علي بن موسى بن جعفر، الملهوف على قتلى الطفوف، تحقيق و تقديم فارس تبريزيان (الحسنون)، [بي.جا]، دارالاسوة، 1383 ش.
- ابن طاووس، سيد عبد الكريم، فرحة الغري، تحقيق سيد تحسين آل شبيب موسوي، [بي.جا]، مركز الغدير للدراسات الاسلامية، 1368 ق.
- ابن عساكر دمشقي، علي بن حسن بن هبة الله شافعي، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق على شيري، بيروت، دارالفكر، 1415 ق.
- ابن فتال نيشابوري، محمد، روضة الواعظين، تحقيق سيد محمد مهدي سيد حسن خراسان، قم، منشورات الرضي، [بي.تا].
- ابن قولويه قمي، ابوالقاسم جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تحقيق جواد قيومي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، 1417 ق.
- ابن كثير دمشقي، ابوالفداء اسماعيل، البداية و النهاية، تحقيق و تعليق على شيري، بيروت، دارإحياء التراث العربي، 1408 ق.
- ابن نما حلي، نجم الدين محمد بن جعفر، مثير الاحزان، نجف، مطبعة الحيدرية، 1369 ق.
- امين عاملي، سيد محسن، اعيان الشيعة، تحقيق و تخريج حسن الامين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، [بي.تا].
- \_\_\_\_\_ لواعج الاشجان، [بي.جا]، مكتبة بصيرتي، [بي.تا].
- بلاذري، احمد بن يحيى بن جابر، كتاب جمل من انساب الاشراف، بيروت، دارالفكر، 1417 ق.
- بيروني، ابوريحان محمد بن احمد، الآثار الباقية من القرون الخالية، بيروت، دار صادر، [بي.تا].

- تمیمی بستی، محمد بن حبان بن احمد، الثقات، [بی جا]. مؤسسة الكتب الثقافية، 1393 ق.
- تمیمی مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، [بی تا].
- حسینی موسوی حائری کرکی، سید محمد بن ابی طالب، تسلیة المُجالس و زینة المَجالس، تحقیق فارس حسون کریم، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة، 1418 ق.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، 1399 ق.
- خوارزمی، موفق بن احمد بن محمد، مقتل الحسين، تحقیق محمد سماوی، قم، دارانوار الهدی، 1418 ق.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، تهران، انتشارات کتابخانه ختام، 1333 ش.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنؤوط و محمد نعیم العرقسوسی، بیروت، مؤسسة الرسالة، 1413 ق.
- \_\_\_\_\_ تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، 1407 ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، تحقیق سلیم النعیمی، منشورات الرضی، 1410 ق.
- سبط ابن جوزی، یوسف بن قزغلی بغدادی، تذکره الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة، تحقیق حسین تقی زاده، [بی جا]. مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت، 1426 ق.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، تعليق عبدالله عمر بارودی، بیروت، دارالجنان، 1408 ق.
- شبراوی، عبدالله بن محمد بن عامر، الإتحاف بحب الأشراف، تحقیق سامی الغریری، قم، دارالکتب الاسلامی، 1423 ق.
- شبلنجی، مؤمن بن حسن مؤمن، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، بیروت، دارالجيل، 1409 ق.
- شجری، یحیی بن حسین بن اسماعیل جرجانی، الامالی الخمیسیة، بیروت، عالم الكتب، 1403 ق.
- صبان، محمد بن علی، إسعاف الراغبین فی سیره المصطفی و فضائل اهل بيته الطاهرين، (چاپ شده در حاشیه «نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار»، بیروت، دارالجيل، 1409 ق).
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق.
- صفدی، صلاح الدین خلیل بن آئیک، الوافی بالوفیات، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار إحياء التراث، 1420 ق.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، 1417 ق.
- \_\_\_\_\_ تاج الموالید فی موالید الائمة و وفیاتهم، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، 1406 ق.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، 1409 ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1365 ش.
- عقاد، عباس محمود، ابوالشهداء، الحسين بن علی، بیروت، المکتبه العصریة، 1421 ق.

علم الهدی، سید مرتضی، رسائل المرتضی، تقدیم احمد حسینی، قم، دارالقرآن الکریم، 1405ق.  
عمرانی، محمد بن علی بن محمد، الانباء فی أخبار الخلفاء، تحقیق قاسم السامرائی، قاهره، دارالآفاق العربیة،  
1421ق.

قاضی طباطبائی، سید محمد علی، تحقیق در باره اول اربعین حضرت سیدالشهداءؑ، قم، بنیاد علمی و فرهنگی  
شهید آیت الله قاضی طباطبائی، 1368 ش.

قرطبی، محمد بن احمد، التذکره فی امور الموتی و امور الآخرة، [بی جا]، دارالکتب العلمیة، [بی تا].  
قزوینی، زکریا محمد بن محمود، عجائب المخلوقات و الحيوانات و غرائب الموجودات، (چاپ شده در حاشیة  
«حیاء الحيوان الكبرى»، کمال الدین دمیری)، [بی جا، بی تا، بی نا].

قزوینی، فضل علی، الامام الحسینؑ و اصحابه، تحقیق سید احمد حسینی، قم، ابن المؤلف، 1415ق.  
کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب  
الاسلامیة، 1367 ش.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الاطهارؑ، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403ق.  
مستوفی قزوینی، حمد الله بن ابی بکر بن احمد، تاریخ گزیده، تحقیق عبدالحسین نوابی، تهران، امیر کبیر،  
1364ش.

مستوفی هروی، محمد بن احمد، ترجمه کتاب الفتوح، تصحیح غلامرضا مجد طباطبائی، تهران، انتشارات و  
آموزش انقلاب اسلامی، 1372 ش.

مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، نشر القیوم، 1419ق.  
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيتؑ، قم،  
مؤسسه آل البيتؑ لإحياء التراث، 1413ق.

مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، قاهره، مکتبه مدبولی، 1411ق.  
مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، المعروف بالخطط المقریزیة،  
بیروت، دارالکتب العلمیة، 1418ق.

مناوی، محمد عبدالرؤف فیض القدير، بیروت، دارالمعرفة، 1391ق.  
موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، [بی جا، بی نا]، 1413ق.  
موسوی مقرر، سید عبد الرزاق، مقتل الحسینؑ، بیروت، دارالکتب، 1399ق.

نویری، احمد بن عبدالوهاب، نهاية الأرب فی فنون الادب، تحقیق عبدالمجید ترحینی و عماد علی حمزه، بیروت،  
دارالکتب العلمیة، 1424ق.

یعقوبی، محمد علی، البابلیات، قم، دارالبيان، 1373ق.